

مرزبندی با دشمنان در اندیشه قرآنی رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای

رضا لکزایی^۱

چکیده

دشمنی به عنوان یکی از کلیدواژه‌های اساسی در جهان سیاست، نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری سایر مفاهیم سیاسی دارد. این مقاله با هدف تبیین مرزبندی با دشمن بر اساس اندیشه قرآنی رهبر معظم انقلاب، آیت الله خامنه‌ای، و با محوریت سوره ممتحنه و آموزه‌های عترت طاهرین (علیهم السلام) نگاشته شده است. روش تحقیق مورد استفاده، روش دلالت است که در دانش منطق و اصول فقه به کار می‌رود. در این پژوهش، ابتدا مفهوم دشمن و انواع آن بررسی شده و سپس مرزبندی با دشمن در قرآن، به ویژه در سوره ممتحنه، تحلیل می‌شود. همچنین، نقش ولایت در ایجاد همبستگی داخلی و مرزبندی خارجی مورد تأکید قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که نزدیک‌ترین مفهوم به مرزبندی با دشمن، کلیدواژه ولایت است و از این رو مرزبندی با دشمن نه به معنای انزوا، بلکه به منزله حفظ هویت و مصونیت از تهاجم سخت و نرم دشمن و هضم نشدن در هاضمه استکبار و تقابل با آن است.

واژگان کلیدی: امام خامنه‌ای، مرزبندی با دشمن، ولایت، دوست و دشمن، سوره ممتحنه.

^۱ . استادیار علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق،

مقدمه

با توجه به اینکه از یک سو قدرت آمریکا و غرب روبه ضعف و افول است و از سوی دیگر قدرت‌های جدیدی در شرق پا به منصفه ظهور گذاشته‌اند، لازم است که بحث دشمنی موشکافی شود. شاید این تصور وجود داشته باشد که بحث دوستی و دشمنی و سخن گفتن از دشمن مطلبی است که در ایران و بیشتر هم از سوی امامین انقلاب مطرح شده و می‌شود و متفکران علوم سیاسی در این باره سخنی نگفته‌اند. یکی از محققان غربی می‌نویسد: «این باور اشتباه خواهد بود که ملتی: [۱] با اعلام دوستی با کل دنیا و یا [۲] با خلع سلاح داوطلبانه‌ی خود می‌تواند تمایز دوست و دشمن را از بین ببرد، [۳] باور اینکه ملتی بی‌دفاع فقط دارای دوست هستند، مضحک است و [۴] فرض اینکه شاید دشمن از غیاب مقاومت در برابر خود به رحم بیاید، محاسبه‌ای معیوب خواهد بود... [۵] اگر مردمی توان یا خواست حفاظت از خود را در سپهر سیاست نداشته باشند، سپهر سیاسی از میان نمی‌رود، تنها مردمان ضعیف محو می‌شوند» (اشمیت، ۱۴۰۲: ۷۷).

اهمیت بحث دشمن و دشمن‌شناسی از منظر این متفکر تا بدانجاست که او جوهره امر سیاسی را دوست و دشمن می‌داند و بر این باور است که اگر دوست و دشمن در جهان وجود نداشته باشد، سیاست و دولتی هم وجود نخواهد داشت: «دنیایی که امکان جنگ به کلی از آن رخت بر بسته است، یعنی یک جهان به تمامی در صلح و صفا، جهانی بدون تمایز دوست و دشمن و بدون سیاست خواهد بود» (اشمیت، ۱۴۰۲: ۶۱). از منظر وی ماهیت و هویت امر سیاسی را بحث دوست و دشمن شکل می‌دهد و نه هیچ چیز دیگر: «پدیده امر سیاسی، تنها در زمینه‌ی امکان همیشه حاضر گروه‌بندی دوست و دشمن قابل درک است» (اشمیت، ۱۴۰۲: ۲۶). برای اشمیت دشمنی میان گروه‌ها و به دیگر سخن میان ملت‌ها و دولت‌ها رخ می‌دهد حال آنکه هابز معتقد بود که در وضع طبیعی هر کس، دشمن کس دیگر است و این جنگ و دشمنی همه علیه همه است که وجود دولت را ضرورت می‌بخشد (هابز، ۱۳۸۰: ۱۵۸). از این رو بحث دشمن در اندیشه معتقدان و پدران لیبرالیسم مثل هابز و ناقدان و منکران لیبرالیسم مثل اشمیت کاملاً محوری و موضوعیت دارد. از منظر این اندیشمندان علوم سیاسی غربی، دشمنی اصل و دوستی امری طفیلی و فرعی است. در اندیشه هابز هم که با وضعیت جنگ همه علیه همه روبرو هستیم سخن از دوستی بی‌معناست و هرچه هست، فقط و فقط دشمنی است.

ممکن است هیچ نفاقی هم در میان نباشد، اما بدون توجه و دقت عمل و مؤمنانه، طوری با دشمن سازش کنیم و به گونه‌ای مرزها را کم‌رنگ کنیم که منتهی به نابودی ما شود. غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد. پرهیز از خسارت، ملزوماتی دارد، یکی از آن ملزومات، مرزبندی با دشمن است. لذا باید همواره مرز خود و دشمن را پایید. از سوی دیگر، وقتی شناخت دشمنی، ماهیت امر سیاسی را تشکیل می‌دهد، لازم است به شناخت دشمن و مرزبندی با او پرداخت.

مرزبندی با دشمن به معنای انزوا یا قطع رابطه و یا داشتن رابطه خصمانه با تمام دنیا نیست. بلکه این معنا مراد است که همان‌طور که کشور مرز جغرافیایی مشخصی دارد و هر کس باید برای ورود به آن یا خروج از آن مجوز داشته باشد، در عرصه سیاسی و علمی و نیز فضای مجازی هم باید عبور و مرور مشخص باشد. پس یک بحث در اینجا شفاف‌سازی است و بحث دیگر، شناسایی، همان‌طور که نمی‌توان و نباید مرز جغرافیایی را رها کرد، مرز سیاسی و اقتصادی و علمی را هم نباید به دست غفلت و بی‌خیالی سپرد، به‌گونه‌ای که معلوم نباشد که چه کسی یا چه چیزی رفت و چه چیزی یا چه کسی آمد.

شناسایی مقدمه اقدام است و معرفت، پیش‌نیاز حرکت است. وقتی شناسایی صورت گرفت و معرفت به چنگ آمد، غافل‌گیری از کشور رخت برمی‌بندد. پس مشخص است کسانی که مدعی هستند تقسیم به خودی و غیرخودی و دوست و دشمن درست نیست و باید با همه مدارا کرد، با حریف خیالی کشتی می‌گیرند و با شمشیر هوا را می‌زنند و در بهترین حالت، آب در هاون می‌کوبند. خطر را باید جدی گرفت و دانست که دشمن‌شناسی، دشمن‌تراشی نیست. مقاله ضرورت دشمن‌شناسی برای نسل جدید در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای، به قلم محمد نظیر عرفانی (۱۴۰۲: ۲۹۶ - ۳۲۶) در این زمینه قابل توجه است.

در ادامه مقاله، پس از تبیین مفهوم دشمن، بر اساس روش دلالت که در دانش منطق (طوسی، ۱۳۶۷: ص ۷) و دانش اصول فقه (عراقی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۸۲) تبیین شده به تبیین مرزبندی با دشمن و تمایز دگراندیش با دشمن بر اساس اندیشه قرآنی رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه‌ای می‌پردازد. یکی از اقسام دلالت در دانش منطق، دلالت لفظی است که به مطابقی، تضمینی و التزامی تقسیم می‌شود. لفظ در این دلالت‌ها به ترتیب بر تمام معنا، جزئی از معنا و معنایی ملازم با لفظ صدق می‌کند. در این مقاله تلاش شده تا بیشتر از روش دلالت مطابقی استفاده شود.

۱. مفهوم دشمن

دشمن از مفاهیم و واژگانی است که با گوش و چشم ما آشناست. شاید چندان نیاز به تعریف هم نداشته باشد. دشمن یعنی کسی که درصدد است به ما ضربه بزند. در سطحی وسیع‌تر و از منظر سیاسی، دشمن هرکسی است که با حاکمیت نظام مستقل مردمی دینی مخالف است اگر همین تعریف را به شکل فرمولی بگوییم این‌گونه می‌توان گفت: اگر کسی یا گروهی یا کشوری، آگاهانه یا ناآگاهانه، عمدی یا غیرعمدی^۲ اقدام خصمانه‌ای را علیه «هدف» با نیاز به الف دارد، انجام دهد تا به هدف خود برسد، دشمن نامیده می‌شود.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، تفسیر سوره تغابن، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۵.

نوع دشمن	فاعل	اقدام خصمانه	هدف	هدف نهایی
دشمن شخصی	شخص	حسادت، اعمال خشونت، غیبت، تهمت، فحاشی، هتک حرمت و ...	تخلیه خشم، احساس قدرت، انتقام گرفتن و ...	
دشمن فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغاتی	کارگزاران فرهنگی (ناتوی فرهنگی، ^۴ امپراتوری‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی از جمله بی‌بی‌سی، اینترنت‌شنال، صدای آمریکا، رادیو فردا، هالیوود، ^۵ فیس‌بوک، ^۶ توئیتر، ^۷ اینستاگرام، ^۸ لشکرهای سایبری)	شایعه‌پراکنی، ترویج دروغ، ترویج خرافات، پوشاندن و یا کوچک‌نمایی موفقیت‌ها، برجسته‌سازی ضعف‌ها، خطاها و شکست‌ها، چاپ و انتشار رمان‌ها و کاریکاتورهای موهن، قرآن‌سوزی، حذف تصاویر شهدا از جمله شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید سید حسن نصرالله و شهید یحیی سنوار و دیگر شهدا از صفحات اجتماعی	ایجاد خطای محاسباتی، ترس، ناامیدسازی، تفرقه و شکاف قومی، زبانی، مذهبی، تهاجم و شبیخون فرهنگی، اندلس‌سازی ایران	مخالفت با حاکمیت نظام مستقل مردمی دینی ^۳
دشمن اقتصادی	کارگزاران اقتصادی و قارون‌های منطقه ^۹ (بانک جهانی، برخی بازرگانان و تجارت، وزارت خزانه‌داری آمریکا، ^{۱۰} برخی کشورهای اروپایی)	تحریم اقتصادی، جنگ اقتصادی، تحریم مالی، پولی و بانکی، بلوکه کردن	تحت فشار قرار دادن مردم تا از انقلاب و نظام اسلامی حمایت نکنند	
دشمن نظامی	کارگزاران نظامی (رژیم صهیونیستی، ناتو، داعش، برخی گروهک‌ها)	ترور، جنگ، اجرای کودتا	سلطه	
دشمن سیاسی	کارگزاران سیاسی (شورای	انقلاب مخملی، ^{۱۱} طراحی کودتا	تغییر نظام مستقر	

۳. بیانات امام خامنه‌ای K در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۸/۹/۲۶، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2984>.

۴. بیانات امام خامنه‌ای K در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21208>؛ بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3363>.

۵. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با فرماندهان گردان‌های بسیج، ۱۳۹۴/۹/۴، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31519>.

۶. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با ۵۰ هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24552>. همان.

۷. همان.

۸. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۹۸/۲/۸، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42381>.

۹. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۶/۱۵، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40421>.

۱۰. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۷/۳/۲، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39655>.

۱۱. بیانات امام خامنه‌ای K در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39655>.

			امنیت، اتحادیه اروپا،)	
دشمن سلامتی	عوامل کشورهای متخاصمی همچون امریکا و انگلیس	شیوع بیماری، تحریم دارو، ^{۱۲} ترور بیولوژیک، تحقیر طب سنتی، ارسال خون آلوده ^{۱۳} به ایدز و هپاتیت، ^{۱۴} ارسال واکسن نامطمئن ^{۱۵}	تضعیف مردم	
دشمن اجتماعی در سطح ملی و فراملی	عناصر فریب خورده ^{۱۶} یا منتقد داخلی با تحریک و سازمان دهی دشمن بیرونی	شورش، فتنه، آشوب، حمله به مردم و مساجد و حسینیه ها و پایگاه های بسیج و هیئات عزاداری، ایران هراسی، اسلام هراسی، شیعه هراسی و ...	ناامنی، اعتبار زدایی از اسلام	
و ...				

در شناخت و هدف قرار دادن دشمن نباید دچار اشتباه شد. دشمن هم مثل هر امر دیگری به اصلی و فرعی تقسیم می شود. دشمن فرعی نباید جای دشمن اصلی را بگیرد. آنکه در جبهه خودی است اما دچار غفلت شده یا فریب خورده و دست به اقدامی زده، دشمن نیست. در این میان نباید آن دشمن اصلی را که در پشت صحنه به صحنه گردانی مشغول است، از یاد برد. دشمن اصلی با امام، با راه امام، با انقلاب و اصل و اساس و بنیاد نظام اسلامی دشمن است و خصومت می ورزد.^{۱۷}

برخی رقیب انتخاباتی و جناحی خود را دشمن و «شیطان اکبر» به حساب می آورند! درحالی که هر دو زیر علم انقلاب و اسلام سینه می زنند و هر دو مدعی طرفداری از انقلاب اسلامی هستند. شیطان اکبر امریکا و صهیونیسم است، نه رقیب جناحی و انتخاباتی. بلکه ممکن است که گاهی کسی در لباس خودی است، اما حنجره او سخن دشمن را تکرار می کند! نصیحت و تذکر هم در او کارگر نمی افتد، از او باید راه خویش را

.content?id=7190

۱۲. بیانات امام خامنه ای K در دیدار با پرستاران و خانواده شهدای سلامت، ۱۴۰۰/۹/۲۱، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49192>

۱۳. بیانات امام خامنه ای K در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۹۹/۱۰/۱۹، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47066>

۱۴. بیانات امام خامنه ای K در دیدار با اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۸، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3162>

۱۵. بیانات امام خامنه ای K در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۹۹/۱۰/۱۹، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47066>

امام خامنه ای K ورود واکسن از امریکا و انگلیس را ممنوع اعلام کردند و یادآوری کردند که قبلاً هم فرانسه به ایران خون های آلوده صادر کرده بود. در دهه شصت، انستیتو «مریو» متعلق به فرانسه، فاکتورهای انعقادی خون را که آلوده به ویروس اچ آی وی بودند، به ایران صادر نمود. در اثر استفاده از این خون ها تعداد چشمگیری از بیماران هموفیلی به این ویروس مبتلا شده و جان خود را از دست دادند.

۱۶. بیانات امام خامنه ای K در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۶/۱۱/۱۹، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3420>

۱۷. بیانات امام خامنه ای K در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۸/۹/۲۶، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2984>

جدا نمود و مرزبندی خود را مشخص کرد؛ او آن طرف جو و ما این طرف.^{۱۸}

رهبر انقلاب علاوه بر تقسیم دشمن به اصلی و فرعی، دشمن را به مقطعی و وجودی تقسیم می‌کند. دشمنی مقطعی، خاتمه پذیر است برخلاف دشمنی وجودی که همچون دشمنی قایل با هابیل و شیطان با انسان است. آیت الله خامنه‌ای، دشمنی آمریکا با انقلاب اسلامی را وجودی می‌داند. ایشان معتقد است دشمنی دشمنان، موسمی و فصلی نیست؛ یک دشمنی وجودی است و هر وقت بتواند ضربه بزند، می‌زند و درنگ نمی‌کنند. اینکه افرادی خیال می‌کنند اگر ما یک قدم عقب رفتیم و کمی کوتاه آمدیم، امریکایی‌ها دست از دشمنی برمی‌دارند، خطای فاحشی است. چاره قوی شدن! از لحاظ نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی، علمی، فناوری^{۱۹} است تا دشمن نتواند ضربه بزند.^{۲۰} بر اساس این طبقه‌بندی، صرفاً اینگونه نیست که اگر دو شخص یا دو گروه، خواهان چیز واحدی باشند و نتوانند هر دو از آن بهره‌مند شوند، دشمن یکدیگر شوند(هابز: ۱۳۸۰: ۱۳۹).

۲. مرزبندی با دشمن در قرآن

الف. با محوریت سوره ممتحنه

آیات اول سوره ممتحنه درباره دوست و دشمن است. خدا در این سوره به ما می‌آموزد که حدود مرزها را گم نکنیم، در مقابل دشمن نرمش نشان ندهیم و دشمن را آن‌چنان‌که هست، دشمن بدانیم؛ زیرا اگر یک جامعه یا یک نظام یا یک فرد در برابر دشمن نرمش به خرج دهد، دشمن او را گمراه و اگر بتواند نابود خواهد کرد.

آیات آغازین سوره ممتحنه به خاطر اقدام حاطب ابن ابی بلتعنه در مدینه نازل شده است و از همین امر جزئی به نتیجه‌گیری کلان و کلی می‌رسد. برخی از بستگان او ساکن مکه بودند، حاطب متوجه شد که پیامبر ﷺ برای فتح مکه آماده می‌شود. نامه‌ای به سران مکه نوشت و آن را به یک خانم داد که به دشمنان پیامبر ﷺ برساند. پیامبر ﷺ از طریق وحی متوجه ماجرا شد و به حضرت علی ﷺ و یکی از اصحاب مأموریت داد که بروند و نامه را بیاورند. حضرت علی ﷺ آن خانم را پیدا می‌کنند و نامه را می‌گیرند و خدمت پیامبر ﷺ می‌آورند. مشخص می‌شود که حاطب نویسنده نامه است. او را احضار می‌کنند. حاطب ابن ابی بلتعنه می‌پذیرد که نامه را نوشته ولی مدعی می‌شود، که قصد خیانت نداشته و فقط می‌خواست محبتی به مشرکان کرده باشد تا آن‌ها بستگانش را در مکه اذیت نکنند.^{۲۱}

^{۱۸}. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با بسیجیان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21298>

^{۱۹}. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی، ۱۳۹۹/۹/۲۶، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46944>

^{۲۰}. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628>

^{۲۱}. ر.ک. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲.

این آیات به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا نباید با دشمنان دوست شد و باید با آن‌ها مرزبندی کرد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (ممتحنه: ۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برنگیرید، [به‌طوری] که با آن‌ها اظهار دوستی کنید و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکه] بیرون می‌کنند که [چرا] به خدا پروردگارتان ایمان آورده‌اید؛ [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می‌کنید درحالی‌که من به آنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار نمودید دانایم و هر کس از شما چنین کند قطعاً از راه درست منحرف گردیده است.

این آیه می‌فرماید نمی‌توان با کسی که پیامبر ﷺ و مسلمانان را از مکه اخراج کرده و با آنان به خاطر دینشان می‌جنگد رابطه مودت‌آمیز برقرار ساخت. در ادامه خداوند متعال توضیح می‌دهد که حتی اگر با دشمن، دوستی بورزید، بازهم دشمن به دشمنی خود با شما ادامه می‌دهد؛ لذا برای لزوم پرهیز از دوستی با دشمنان استدلال کرده و می‌فرماید:

إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (ممتحنه: ۲)؛ اگر به شما دست یابند، دشمن شما باشند و بر شما به بدی دست و زبان بکشایند و آرزو دارند که کافر شوید.

عبارت بر شما به بدی دست و زبان بکشایند کنایه است؛ دست کنایه از قدرت فیزیکی و سخت، زبان هم کنایه از قدرت نرم و قدرت فرهنگی است. دشمن به دنبال ضربه زدن است اگر توانست از راه نزدیک و با حمله سخت و سلاح شمشیر دشمنی می‌ورزد و اگر نتوانست با حمله نرم و از راه دور و با سلاح زبان، جنگ فرهنگی علیه شما به راه می‌اندازد.

چون حاطب گفت به خاطر اقوام و فرزندانم این کار را کردم، خداوند متعال در ادامه می‌فرماید:

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (ممتحنه: ۳).

روز قیامت نه خویشان شما و نه فرزندانان هرگز به شما سود نمی‌رسانند؛ [خدا] میانتان فیصله می‌دهد و خدا به آنچه انجام می‌دهید بینا است.

خواست قرآن این است که انسان بر مدار استدلال و منطق و عقلانیت حرکت کند. از این‌رو از ما می‌خواهد عنان احساسات خویش را در دست بگیریم و تابع احساسات نباشیم. محبت یک امر قلبی و مبتنی بر رابطه روحی میان دو انسان است؛ غالباً اختیاری هم نیست؛ نمی‌توان با خود قرار گذاشت که از فردا کسی یا چیزی را دوست داشت و یا دوست نداشت. فرزند و همسر و خواهر و برادر به‌طور طبیعی محبوب انسان است. این محبت و مودت و علاقه معنوی می‌تواند تابع احساسات یا تابع عقلانیت باشد. قرآن می‌خواهد عوامل محبت را از حالت احساسی صرف خارج کند. قرآن نمی‌خواهد ما کسی را به خاطر قیافه یا صدا یا جمال یا نفعی که به ما رسانده یا می‌رساند دوست داشته باشیم، می‌خواهد محبت ما به ایمان تعلق بگیرد. قرآن می‌فرماید: «ای مؤمنانی که در مدینه هستید، محبت خویش را از کافرانی که در مکه حضور

دارند، دریغ کنید.»^{۲۲} «آن کافری که در مکه مانده ممکن است، پدر یا برادر یا عمو یا فرزند شما باشد.»^{۲۳} این رابطه محبت‌آمیز با تیغ ایمان بریده شده و حتی ممکن است تا جنگ و ستیز و کشتن و کشته شدن پیش برود.^{۲۴} حال آنکه در اندیشه اسلامی، دو مؤمن، از دو برادر خونی غیرمؤمن، برادرترند.^{۲۵}

بعد حضرت ابراهیم علیه السلام؟ را به عنوان الگو معرفی می‌کند تا از او بیاموزند و به او اقتدا کنند:

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَخُذْهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا تُشْفِقَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (ممتحنه: ۴).

قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکو است آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم، به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه‌ی همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید، جز [در] سخن ابراهیم [که] به [نا]پدر[ی] خود [گفت] حتماً برای تو آرمزش خواهم خواست با آنکه در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم؛ ای پروردگار ما بر تو اعتماد کردیم و به‌سوی تو بازگشتیم و فرجام به‌سوی تو است.

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُوْا لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (ممتحنه: ۵).

پروردگارا ما را وسیله آزمایش [و آماج آزار] برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان و بر ما بیخشی که تو خود توانای سنجیده‌کاری.

و دوباره تأکید می‌کند که واقعاً در ابراهیم علیه السلام؟ و همراهانش برای شما یک الگوی نیکویی است:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (ممتحنه: ۶).

قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشقی نیکو است؛ [یعنی] برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می‌بندد و هر کس روی برتابد [بداند که] خدا همان بی‌نیاز ستوده [صفات] است.

به این ترتیب حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر دشمنان سه اقدام انجام داد: برائت از دشمن، کفر ورزیدن به عقاید دشمن، عداوت و بغض نسبت به دشمن با اتکا به توکل، استغفار و دعا.

اگر این مرزبندی به صورت شفاف و علنی بیان نشود، خطر التقاط هم اهل ایمان را تهدید می‌کند. التقاط یعنی کسانی اسلام را قبول دارند، دوست دارند طبق اسلام عمل کنند و طبق اسلام مسائل را بفهمند اما در این میان با مکاتب و کسانی که صریحاً دشمن اسلام هستند، مقابله نمی‌کنند و صف خود را از صف آن‌ها جدا نمی‌کنند؛ یعنی آن‌ها خطاب قرآن که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برگیرید» را فراموش کرده‌اند. علامتش هم بود که در کتاب‌هایشان یک جمله از مکاتب لیبرالیستی یا کمونیستی می‌نویسند و یک عبارت از هم قرآن یا نهج البلاغه. توجه نکردن به

۲۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ» (ممتحنه: ۱).

۲۳. «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (مجادله: ۲۱).

۲۴. بیانات امام خامنه‌ای K در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۰/۱/۱۶، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2438>

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «و لقد كنّا مع رسول الله صلی الله علیه و آله نقتل ابائنا و ابائنا و اخواننا و اعمامنا» (محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، قم، مشهور، ۱۳۷۹، خطبه ۵۶).

۲۵. «المؤمن اخ المؤمن لأبيه و أمه» (محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۷۳ و ۷۶).

صف‌بندی میان مؤمنان با دشمنان ایمان، کار را به جایی رساند که آن‌ها عملاً در مقابل اسلام و جمهوری اسلامی قرار گرفتند. مرزبندی نکردن با دشمن این قدر خطرناک است.^{۲۶}

همین صف‌بندی، مرزبندی و دشمنی و بغض در مبارزه‌ای که طرف مبارزه، کافر صریح هم نیست، باید وجود داشته باشد. چنان‌که طرف مبارزه و دشمن امام سجاد علیه السلام کافر صریح نبود، بلکه عبدالملک مروانی بود که ادعای مسلمانی داشت.^{۲۷}

بعد خدای متعال به مؤمنانه دل‌داری می‌دهد و می‌فرماید:

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ممتحنه: ۷).

امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که [ایشان را] دشمن داشتید دوستی برقرار کند و خدا توانا است و خدا آمرزنده مهربان است.

کنایه از اینکه وقتی مکه را فتح کردید و اهالی آن مسلمان شدند، امیدوار باشید که با آن‌ها، دوست خواهید شد.

از آنجاکه ممکن است کسی فکر کند جز با مسلمانان نباید با کس دیگری رابطه داشته باشند، خداوند برای دفع چنین شبهه‌ای می‌فرماید: اگر گفته شده که با اهالی مکه رابطه دوستی برقرار نشود، به خاطر کفرشان نیست، بلکه به خاطر دشمنی آنان است؛ بنابراین از منظر قرآن، کفار به دودسته تقسیم می‌شوند. کفاری که بر سر دین با مسلمانان نجنگیده و آن‌ها را از سرزمینشان اخراج نکرده‌اند، یعنی کافر هستند و شاید قلباً دشمن خدا هم باشند اما کافران بی‌آزاری هستند. قرآن می‌فرماید هیچ منعی ندارد که با اینان بر اساس عدالت رابطه داشته باشید و به آن‌ها نیکی کنید:

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه: ۸).

[اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

مثال کفاری که با مسلمین در حال جنگ نیستند و نمی‌خواهند با مسلمانان بجنگند و آنان را از سرزمینشان بیرون کنند و با دینشان هم مشکلی ندارند، کشورهای امریکای لاتین از جمله مانند ونزوئلا است که رابطه خوبی با ایران دارد؛ با این گروه از کشورها می‌توان رابطه دوستانه داشت. اما راجع به کفاری که با مسلمانان بر سر دینشان می‌جنگند و سرزمینشان را اشغال کرده‌اند، می‌فرماید باید با اینان دشمن بود:

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (ممتحنه: ۹).

فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز نمی‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون

^{۲۶}. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه، همان، ص ۴۵ - ۴۶.

^{۲۷}. همان، ص ۴۸.

رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر هم‌پشتی کرده‌اند و هر کس آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمگران‌اند. یعنی فقط نهی و ممنوعیت رابطه دوستی با کفار مربوط می‌شود به کفاری که سه کار مرتکب شده‌اند، اول اینکه با مسلمانان بر سر دینشان بجنگند، دوم آنکه مسلمین را از سرزمینشان بیرونشان کنند و سوم اینکه به گروه اول و دوم کمک کنند.

اخراج از سرزمین با اشغال آن متفاوت است، ممکن است سرزمینی اشغال شده باشد اما اشغالگران اقدام به اخراج ساکنان آن نکرده باشند، چنان‌که در مکه اشغالگری اتفاق نیفتاد، ولی فضا را آن‌چنان علیه مسلمانان تنگ و خفقان آلود کرده بودند، که پیامبر ﷺ مجبور شدند شبانه آنجا را ترک و به یثرب که بعدها مدینه نامیده شد، هجرت کنند. ممکن هم هست که اشغالگری و اخراج با هم انجام شود؛ چنان‌که رژیم غاصب و قصاب صهیونیستی علاوه بر اشغال فلسطین، بیش از پنج میلیون نفر از مسلمانانی که ساکن آنجا بوده‌اند را آواره کرده و خانه و اثاثیه‌شان را مصادره می‌کنند، لذا رژیم صهیونی، مصداق دشمنی است که بر اساس همین آیه شریفه سوره ممتحنه نباید مسلمانان و جهان اسلام با او رابطه داشته باشند.

گروه سوم آن کافرانی هستند که پشتیبان و کمک‌کار کفار حربی در اخراج مسلمانان هستند، با اینان هم نباید رابطه دوستانه برقرار کرد، که مصداق بارز آن رژیم تروریست امریکاست.

روایتی که می‌فرماید: هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۵: ۶۳) و دین را به محبت و بغض معنا می‌کند، ترجمان دیگری از آیه ۹ سوره ممتحنه است؛ یعنی دین برابر است با صف‌بندی و مرزبندی میان دوستان و دشمنان.^{۲۸}

قرآن، میان دشمن و دشمنی تفاوت قائل شده است. در بخشی از سوره مجادله قرآن از جریان محاده رونمایی می‌کند. ایشان می‌فرماید گاهی کسانی از روی دوستی، دشمنی می‌کنند، یعنی خود فرد هم نمی‌داند که دشمنی می‌کند، اما به‌گونه‌ای حرف می‌زند، یا عمل می‌کند که گویی می‌خواهد قانون الهی را نادیده بگیرد، این همان کاری است که اگر دشمن هم بود، انجام می‌داد. پس یک دشمنی داریم و یک دشمن، که در فاعل و نیت با یکدیگر تفاوت دارند اما خروجی هر دو یک چیز است. تکلیف دشمن، مشخص است. هر دشمنی، دشمنی می‌کند، اما کسی که دارد دشمنی می‌کند ممکن است دشمن نباشد، اینجا در قرآن در مقابل این افراد دو تکلیف و وظیفه بیان شده است. گاهی ممکن است کسی که دشمن نیست اما اقدام او دشمنی است، همسر و فرزند باشد که رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای در تفسیر سوره تغابن به آن پرداخته است.

در این سوره دستور خداوند به اهل ایمان در برابر فشارهای خانوادگی ناشی از دنیاگرایی چنینی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حواستان باشد: «إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ» «بعضی از همسران شما، و بعضی از فرزندان یعنی برخی از اعضای خانواده شما، دشمن ایمان شما هستند. دشمن خودتان نیستند. مثلاً می‌خواهید اتفاق کنید، جلوی شما را می‌گیرند و می‌گویند ما

^{۲۸}. همان، ص ۷۶.

خودمان نیاز داریم، چرا شما به فکر فردا نیستی. یا انسان مؤمن مجاهد می‌خواهد عازم جبهه شود اما چون خانواده او را دوست دارند مانع اعزام او به جهاد می‌شوند؛ مدل این دوستی، دوستی دنیوی و یک دوستی است که مانع انجام وظیفه و اطاعت شخص از رهبر الهی می‌شود؛ قرآن می‌فرماید از این مدل دشمنی با هوشیاری برحذر باشید: «فَاحْذَرُوهُمْ» از آنان برحذر باشید، از اعضای خانواده‌تان در کاری که خلاف فرمان خدا و رسول خداست، اطاعت نکنید. نمی‌فرماید با اعضای خانواده دعوا کنید، همان‌طور که خدا غفور و رحیم است، شما هم نسبت به اعضای خانواده، اهل عفو و صفح و غفران باشید. ضمن مراقبت از ایمان‌تان، و اقدام برای عمل صالح، با اعضای خانواده مهربان باشید؛ قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^{۲۹} همان‌طور که خدا غفور و رحیم است، شما هم با اعضای خانواده‌تان اهل عفو و مهربانی و گذشت و مغفرت باشید. این دستور توجه می‌دهد که مؤمنان باید تدبیر به خرج دهند و به شکلی دستور خدا را در خانواده اجرا کنند که به فروپاشی و حتی تضعیف خانواده نینجامد به این ترتیب، قرآن سیاست‌های حاکم بر خانواده و سیاست‌های حاکم در درون جامعه اسلامی را بیان می‌کند. اعضای خانواده با هم مهربان باشند اما در کنار این مهربانی، در برابر اجرای دستور خدا قاطعیت هم داشته باشند. گاهی اوقات برخی به خاطر اجرای اوامر خدا، اقدامات تنیدی در برابر اعضای خانواده انجام می‌دهند. حضرت نوح و حضرت لوط، پیامبران الهی بودند اما همسرانشان با آنها همراه نبودند اما آن انبیای بزرگ، همسرانشان را طلاق ندادند، حتی با آنها بد اخلاقی هم نکردند. یکی از فرزندان حضرت نوح با ایشان همراهی نکرد اما حضرت نگران همان فرزند هم بود در عین حال، به دستور این زن و فرزند هم گوش نمی‌دادند.

تکلیف دومی که متوجه مسلمانان می‌شود در قبال دشمنی کسانی است که آرام آرام به دشمن وصل می‌شوند. در جوامع اسلامی امروز، مثل گذشته، مشکل بزرگی که وجود دارد این است که بسیاری از مسلمانان با خدا، اسلام، پیامبر و امت اسلامی، دشمنی می‌کنند اما به اسم دوستی و دلسوزی. در آیات سوره مجادله از این دشمنان با عنوان جریان محاده نام برده شده است. قرآن ابعاد این مسئله را به صورت واقع‌بینانه شکافته و مقابله قاطع با جریان قانون شکن، یعنی جریان محاده را مطرح نموده است که می‌توان از آن به عنوان مرزبندی با دشمن در عرصه سیاست داخلی و خارجی تعبیر نمود: «إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُتِبُوا كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ» آن کسانی که با خدا و رسول خدا محاده می‌کنند، سرکوب و ذلیل می‌شوند، همان‌طور که کسانی که پیش از آنها بودند و با دستورات خدا مخالفت می‌کردند، سرکوب و خوار و ذلیل شدند، ما نازل کرده‌ایم آیات روشن را، برای کسانی که این آیات را، این دستورات روشن را بخواهند نادیده بگیرند و به آن کفر بورزند، عذاب خوارکننده‌ای خواهد بود.

خداوند متعال می‌فرماید کسی که دشمن نیست اما دشمنی می‌کند، اگر از دشمنی دست برندارد، با دشمن تفاوتی ندارد و به دشمنان که همان منافقین و کفار هستند، ملحق می‌شود. از این رو خداوند به

^{۲۹}. تغابن: ۱۴

مؤمنان دستور می‌دهد که هم خودشان گرفتار محاده نشوند و هم اگر مؤمنان دیگری گرفتار محاده شده‌اند، آگاه‌سازی کنند تا آنها دست از محاده بردارند. جریان محاده اقلیتی هستند که در جامعه اسلامی با دشمنان خارجی ارتباط دارند، از این رو خداوند متعال به مؤمنین می‌فرماید: نگاه کنید، ببینید دشمن شما چه کسی است، هر کس که با دشمن شما مرتبط شده، او جزء جریان محاده است و باید شما از او دست بکشید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» پیامبر! آیا نمی‌بینی کسانی را که هم‌جبهه شدند و با گروهی که خدا بر آنها خشم کرده پیوند برقرار کردند، یعنی جریان محاده به جریان منافقین وصل شد، یعنی محاده آرام‌آرام، انسان را در جریان نفاق می‌اندازد و سپس او را به دشمنان اسلام وصل می‌کند، از این رو می‌فرماید جریان محاده با یهود و مشرکان پیوند برقرار کردند، بعد می‌فرماید: «مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ» این جریان محاده و کسانی که حالا دیگر منافق شده‌اند، نه جزء لشکر دشمن محسوب می‌شوند و یهودیان و مشرکان، آنها را از افراد خودشان محسوب نمی‌کنند، شما مؤمنان هم نباید آنها را جزء جبهه ی خودتان بدانید؛ آنان سوگند دروغ می‌خورند که ما با مؤمنین هستیم، در حالی که خودشان هم می‌دانند دروغ است: «وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»

هم اینک کشورهای اسلامی که با رژیم غاصب صهیونیستی رابطه دارند، رژیم غاصب و قصاب ذره‌ای ارزش برای آنها قائل نیست. اگر منافعشان اقتضا کند به کشورهای اسلامی که الان پشتیبان اقتصادی رژیم غاصب صهیونیستی هستند بیشترین ضربات را خواهند زد. قرآن می‌فرماید: خداوند متعال برای این منافقینی که با دشمنان اسلام هم‌پیمان شده‌اند، عذاب شدیدی آماده کرده است: «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا» چون آنها مرتب مشغول انجام دادن اقدامات خرابکارانه و بد هستند: «إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» كانوا استمرار را می‌رساند و نشان دهنده این است که جریان محاده از آغاز با جریان الهی زاویه داشته‌اند. گاهی اوقات قسم هم می‌خورند اما اعتقادی به قسم نداشتند و آن سوگندها برای این بود که سپری برای خودشان درست کنند، تا بتوانند جامعه را گمراه کنند: «اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً» اینان با قسم دروغ، اعتماد جامعه ی دینی را جلب می‌کنند که در سوره منافقون و سوره توبه هم به آن اشاره شده؛ قسم دروغ یعنی جلوه و رنگ و لعاب مذهبی به حرف‌هایشان می‌دهند، می‌گویند ما با شما هستیم، ما هم اسلام را قبول داریم، ما بد اسلام را نمی‌خواهیم، ولی نظرم‌ان این است که در اجرای این قانون سخت‌گیری نشود. اصرار نداشته باشید که این قانون اجرا شود. ما دشمن داریم، فعلاً برویم کار فرهنگی کنیم. به طریقی می‌خواهند جلوی اجرای قوانین الهی را بگیرند و نتیجه کارشان این است که راه خدا را سد می‌کنند: «فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» این افراد مرتب مانع گسترش دین و اقامه دین می‌شوند. وقتی به گذشته‌شان می‌نگرید، می‌بینید مسئولیت‌هایی داشته‌اند برای اقامه دین، قدم از قدم بر نداشته‌اند. عذاب خوارکننده برای اینان در دنیا و آخرت خواهد بود: «فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» بنابراین لازم است که جامعه و دولت اسلامی فاصله خودش را با جریان محاده روشن و با قایت با آنها برخورد کند؛ چون غضب خدا شامل حال آنها شده است. و این مطلبی است که در سوره ممتحنه هم به آن اشاره شده. در آیه آخر سوره ممتحنه خداوند متعال می‌فرماید نباید مؤمنان با دشمنان اسلام و دشمنان خدا که خدا بر آنها خشمگین است، و از آخرت مأیوس‌اند، پیوند عملی و قلبی ببندند: يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ.

پس از یک طرف باید خطوط فاصل زبانی، قومی، نژادی، خونی و قبیله‌ای، حزبی و فرقه‌ای را کنار گذاشت و به رسمیت نشناخت و از طرف دیگر نباید با دشمن خونی کنار آمد. آری! تنها یک خط فاصل وجود دارد و آن، خط فاصل بین مؤمنین و دشمنان مؤمنین یعنی نظام سلطه و امریکاست؛ این خط فاصل باید همواره برجسته باشد.^{۳۰} مرزبندی، قطع ارتباط هم نباید تفسیر شود. مثل مرز جغرافیایی؛ بین کشور ما و کشورهای اطراف مرز وجود دارد؛ و این به معنای نفی رفت‌وآمد و نداشتن رابطه نیست. بلکه به معنای آمد و شد منضبط و قانون‌مند است. باید مشخص باشد که چه کسی رفت، چه کسی آمد، چرا رفت، چرا آمد، چه زمانی رفت، چه زمانی آمد، چگونه رفت، چگونه آمد، چه برد، چه آورد، همین مرزبندی جغرافیایی در مرزهای عقیدتی و سیاسی هم وجود دارد. مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم است. کسانی که سعی می‌کنند مرزهای دینی و سیاسی را به اسم جهانی‌شدن و حل شدن و منطبق شدن با جامعه جهانی از بین ببرند یا کمرنگ کنند، هیچ خدمتی به کشور نمی‌کنند.^{۳۱}

ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست. مشهور شده که حافظ معتقد است که باید میان دو دشمن «نسبت مدارا» حاکم باشد و نه «نسبت خشم»:
آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان مدارا^{۳۲}

اما این نیمی از سخن حافظ است، حافظ دشمن را طبقه‌بندی می‌کند و مدارا یک تجویز جناب حافظ است. تجویز دیگر حافظ گسستن و مرزبندی کردن با دشمن است:

پیر پیمان‌کش من که روانش خوش باد
گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان
دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل
مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان^{۳۳}

به زبان قرآن توصیه حافظ به مدارا ترجمه آیه هشتم سوره مبارکه ممتحنه است که به نیک‌رفتاری با کفار غیرمحارب توصیه می‌فرماید؛^{۳۴} و ابیاتی که از پیمان‌شکنان و قطع رابطه با دشمن سخن می‌گوید ترجمان آیه نهم سوره مبارکه ممتحنه است.^{۳۵} حافظ در جایی دیگر چنین گفته است:

^{۳۰} بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل‌بیت (ع)، ۱۴۰۱/۶/۱۲، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50878>

^{۳۱} همان.

^{۳۲} خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان حافظ، تهران، پیام آزادی، ۱۳۹۷، غزل ۵.

^{۳۳} همان، غزل ۳۸۷.

^{۳۴} «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸).

^{۳۵} «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه: ۹).

مرید طاعت بیگانگان مشو حافظ

ولی معاشر رندان پارسا می‌باش^{۳۶}

در این بیت، حافظ تولی و تبری را با هم ذکر نموده است و به دو مرز و تفاوت رفتار در دو مرز پارسایان و بیگانگان تصریح کرده و گفته است که نباید مرید بیگانگان شد و از آنان اطاعت کرد، که می‌توان گفت ترجمه کریمه «أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) است.

ب. بر اساس سطوح ولایت

ولایت به عنوان مفهومی کلیدی در قرآن، کارکردهای داخلی و خارجی دارد. در سطح داخلی، ولایت موجب همبستگی و اتحاد صفوف مسلمانان می‌شود و در سطح خارجی، مرزبندی با دشمنان را تنظیم می‌کند. این مفهوم در اندیشه رهبر معظم انقلاب، به‌ویژه در سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران، نمود عینی دارد.

مرزبندی با دشمن از این منظر مکمل بخش اول است. اگر بخواهیم واژه‌ای در قرآن بیابیم که به بحث مرزبندی در اصطلاحات سیاسی امروز بسیار نزدیک باشد، کلیدواژه ولایت است. ولایت، به معنای پیوستگی، همبستگی و هم‌جهگی است و کارکردهای داخلی و خارجی دارد. کارکرد ولایت به لحاظ داخلی در مرحله اول، این است که کمال هم‌بستگی، هم‌جهگی، ارتباط، اتحاد صفوف میان آحاد و جناح‌های گوناگون مردم در سطح جامعه اسلامی به وجود می‌آید؛ بنابراین در داخل، جامعه اسلامی را محکم و استوار می‌کند. کارکرد داخلی دوم ولایت آن است که رابطه مردم را با امامشان محکم نموده و نمی‌گذارد هیچ فاصله و خللی میان امت و امام به وجود آید، تا دشمن نتواند از آن سوءاستفاده کند. کارکرد سوم ولایت، تنظیم ارتباط جامعه اسلامی با خارج و در صحنه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است. با توجه به دستوراتی که در قرآن کریم آمده، وقتی مسلمانان این مدل از ولایت را بپذیرند، دیگر زیر بار ارتباط با دشمنان دین نخواهند رفت؛ در ادامه با توضیحی بیشتر سطوح ولایت بررسی می‌شود.

یک - ولایت در درون امت اسلامی

در این سطح، از مؤمنین و مسلمان‌ها و اعضای امت اسلامی انتظار می‌رود، که کمال همبستگی و اتحاد صفوف را داشته باشند، و فشردگی هرچه بیشتر میان آحاد و گروه‌های مختلف در درون جامعه اسلامی را حفظ کنند. لذا وجود هیچ تفرقه و اختلافی میان امت اسلامی پذیرفتنی نیست؛ و نباید با هم اختلاف به معنای تخاصم و خصومت داشته باشند و باید یک صف واحد را تشکیل دهند. قرآن می‌فرماید:

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (حجرات: ۹).

و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر بجنگند میان آن‌ها صلح و آشتی برقرار کنید، و اگر یکی از آن دو گروه به دیگری تجاوز کند، با آن گروهی که تجاوز می‌کند، بجنگید تا به حکم خدا بازگردد. پس اگر بازگشت، میانشان به عدالت و

^{۳۶}. خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، همان، غزل ۲۷۴.

انصاف، صلح و آشتی برقرار کنید و همواره دادگری را پیشه سازید. که خدا دادگران را دوست دارد. بنابراین اینکه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه: ۷۱) مؤمنین نسبت به همدیگر مسئولیت و ولایت دارند، این بحث مربوط می‌شود به درون جامعه اسلامی که ارتباط شهروندان و اعضای جامعه اسلامی آن قدر باید با هم فشرده باشد که دشمن به هیچ وجه نتواند در میان آن‌ها نفوذ کند.^{۳۷}

دو- ارتباط امت با امام

ارتباط آحاد امت با امام خودشان به این صورت است که باید پشت سر وی و بدون هیچ فاصله‌ای به سمت یک هدف حرکت کنند. اگر میان امت و امام فاصله بیفتد یا امام به یک‌سو و امت به طرف دیگر بروند، به این معناست که میان امام و امت، ولایت وجود ندارد. امام و رهبر در جامعه اسلامی، سمت‌وسو و مقصد و مقصود را تعیین می‌کند و امت را به حرکت وامی‌دارد و همه نیروها از او الهام و نیرو می‌گیرند.

سه- ولایت در روابط خارجی

رابطه ولایت میان مسلمانان با مسلمانان است؛ اما مسلمانان می‌توانند با بخشی از غیرمسلمانان رابطه عادی داشته باشند اما رابطه به معنای ولایت با کفار ممنوع است که آیاتش در سوره ممتحنه بررسی شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (ممتحنه: ۱). آن آیات در عرصه روابط خارجی شرط می‌گذرد که همبستگی و هم جبهه‌گی بین ملت و دولت اسلامی با کفار محارب و اشغالگر و معاند و یا کسانی که به این معاندین و محاربین کمک می‌کنند نباید صورت بگیرد. هرچند دولت و امت اسلامی می‌توانند با کفار بی‌خطر و بی‌ضرر و یا کفاری که علیه دین مسلمانان اقدامی نمی‌کنند و اشغالگر محسوب نمی‌شوند، ارتباطاتی داشته باشند. البته این ارتباط، هم جبهه‌گی و پیوستگی نمی‌تواند باشد و تنها یک ارتباط عادی و معمولی است.

۳. مرزبندی با دشمن بر اساس آموزه‌های معصومین علیهم السلام

دعاهای حضرت امام سجاد (ع) در زمره برترین گنجینه‌های معارف اسلامی است. در این دعاها معارفی وجود دارد که نمی‌توان آن معارف را از آثار روایی به دست آورد. در دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه - که دعای ورود در ماه مبارک رمضان است - حضرت مسائلی را از خداوند متعال درخواست می‌کنند؛ از جمله تقاضا می‌کنند: «پروردگارا! از تو می‌خواهیم که با همه دشمنان خودمان صلح، سلم و مدارا پیشه کنیم.» بعد بلافاصله می‌فرمایند: «مگر آن دشمنی که به خاطر تو و در راه تو با او دشمنی کردم. این دشمنی است که ما هرگز با او دم از آشتی نخواهیم زد و دل ما با او صاف نخواهد شد.»^{۳۸} بنابراین دشمنی و صف‌بندی و مرزبندی، در نظام سیاسی اسلام بر اساس مکتب تعیین می‌شود و بر اساس ملاحظات شخصی

^{۳۷} سیدعلی حسینی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۷، ص ۹۷-۱۱۹.

^{۳۸} «وَأَنْ تُنْصَفَ مَنْ ظَلَمْنَا وَ أَنْ تُسَالَّمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَى مَنْ عُدِّي فَيْكَ وَ لَكَ؛ و با آنکه در حق ما ستمی روا داشته به مقتضای انصاف رفتار کنیم و با آنکه با ما دشمنی ورزیده دوستی کنیم، جز آن کسان که به خاطر رضای تو با آنان دشمن شده‌ایم» (ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای K در خطبه‌های نماز جمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (ع)، ۱۳۸۹/۳/۱۴، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9524>

و نژادی و قومی و منافع نیست. صلح ارزشمند است و اولویت هم دارد اما اصالت از آن اسلام است و از این رو با تقابل کنندگان با اسلام، صلح و سازش معنا ندارد.

نتیجه گیری

مرزبندی با دشمن در منظومه‌ی فکری اسلام، هم تکلیفی الهی است و هم ضرورتی عقلی که ضامن بقا و پویایی نظام اسلامی در تمامی عرصه‌ها محسوب می‌شود. این اصل راهبردی، ریشه در تعالیم ناب قرآنی و سیره‌ی عملی معصومین (ع) دارد و در شرایط کنونی جهان، بیش از هر زمان دیگری نیاز به بازخوانی و اجرای هوشمندانه دارد. مرزبندی اسلامی زمانی می‌تواند در برابر پیچیده‌ترین توطئه‌های دشمنان کارآمد باشد که سه ویژگی کلیدی را دارا باشد:

۱. هوشمندی: در عصر حاضر که دشمن از شیوه‌های نوین جنگ نرم، جنگ ترکیبی و تهاجم فرهنگی استفاده می‌کند، مرزبندی باید با درک عمیق از تاکتیک‌های دشمن و شناسایی دقیق میدان‌های نبرد همراه باشد. هوشمندی یعنی توانایی تشخیص مرزهای نامرئی در فضای مجازی، مرزهای اعتقادی در عرصه‌ی فرهنگ و مرزهای امنیتی در حوزه‌ی سیاست.

۲. شفافیت: مرزبندی مؤثر نیازمند ترسیم خطوط قرمز شفاف و تعریف دقیق معیارهای دوست و دشمن است. این شفافیت هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی و حکومتی باید وجود داشته باشد تا از هرگونه ابهام و انحراف جلوگیری شود.

۳. پایبندی به اصول قرآنی: اساس مرزبندی اسلامی باید بر محور آیات قرآن مانند سوره‌ی ممتحنه و سیره‌ی اهل بیت (ع) استوار باشد. این مرزبندی نه از موضع ضعف که از موضع عزت و اقتدار صورت می‌گیرد و هدف نهایی آن، حفظ کیان اسلام و مصونیت جامعه‌ی مؤمنین است.

تاریخ گواه روشنی است که ملت‌ها و تمدن‌هایی که در مرزبندی با دشمنان خود سهل‌انگاری کرده‌اند، به تدریج هویت دینی و فرهنگی خود را از دست داده و در گرداب انحطاط و وابستگی گرفتار شده‌اند. در مقابل، جوامعی که با درایت و هوشیاری مرزهای خود را حفظ کرده‌اند، توانسته‌اند در برابر طوفان‌های سهمگین تاریخ ایستادگی کنند و عزت خود را حفظ نمایند. تقویت هماهنگ مرزبندی دینی (حفظ عقاید و ارزش‌ها)، مرزبندی سیاسی (حفظ استقلال و منافع ملی) و مرزبندی فرهنگی (مصونیت در برابر تهاجم نرم) تنها راه تضمین آینده‌ی درخشان امت اسلامی است. این سه ضلع مثلث امنیت جامعه‌ی اسلامی هستند که هرگونه غفلت از یکی، به فروپاشی کل سیستم می‌انجامد.

مرزبندی با دشمن، تنها یک انتخاب سیاسی نیست، بلکه یک تکلیف دینی و شرط بقای تمدن اسلامی است. این مرزبندی باید پویا، هوشمند و اصولی باشد تا بتواند در برابر پیچیده‌ترین توطئه‌های دشمنان قد علم کند. تجربه‌ی چهل ساله‌ی انقلاب اسلامی به خوبی اثبات کرده است که ملتی که بر مدار قرآن و ولایت حرکت کند و مرزهای خود را با دشمنان خدا به روشنی تعریف نماید، نه تنها از گزند توطئه‌ها در امان می‌ماند، بلکه روز به روز بر عزت و اقتدارش افزوده می‌شود.

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- صحیفه سجادیه

۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۲). تفسیر سوره ممتحنه. تهران: انقلاب اسلامی.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۲). تفسیر سوره تغابن. تهران: انقلاب اسلامی، چاپ پنجم.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۲). تفسیر سوره توبه. تهران: انقلاب اسلامی، چاپ نهم.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۲). تفسیر سوره منافقون. تهران: انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۳). تفسیر سوره مجادله. تهران: انقلاب اسلامی، چاپ یازدهم.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات. دسترسی در -khamenei.ir/speech.
۸. اشمیت، کارل. (۱۴۰۲) مفهوم/امر سیاسی. ترجمه یاشار جیرانی. تهران: ققنوس.
۹. حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد. (۱۳۹۷). دیوان حافظ. تهران: پیام آزادی.
۱۰. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق) بحار الأنوار. بیروت. دار إحياء التراث العربی.
۱۱. عراقی، ضیاء‌الدین. (۱۳۶۱). بدائع الفکار فی الأصول، تقریرات میرزا هاشم آملی، ج ۱، نجف اشرف؛ المطبعة العلمیه.
۱۲. طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد. (۱۳۶۷). اساس الاقتباس (مصحح: محمدتقی مدرس رضوی). تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. عرفانی، محمدنظیر. (۱۴۰۲). ضرورت دشمن شناسی برای نسل جدید در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای، دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و علوم، سال هفتم، شماره ۴۱، پاییز و زمستان، ص ۲۹۶ - ۳۲۶.
۱۴. هابز، توماس. (۱۳۸۰). لویاتان. ترجمه حسین بشیریه. نشر نی. تهران.